

یا رحیم یا فاطمه

رحیم یا فاطمه ارتباطی خاص با آخرت دارد. او کسی است که روز قیامت، شیعیانش یعنی اهل حق و توحید و اخلاص برای خدای سبحان را برمی چینند؛ و این‌ها عبارت‌اند از حسن و حسین و ائمه، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و انبیا و اوصیا علیهم‌السلام، و پایین‌تر از آن‌ها از مخلصین؛ از همین رو پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره او فرموده است: «فاطمه، مادر پدرش است.» مادر، مبدائی است که به آن بازگردانیده می‌شود و از همین رو امام حسن عسکری علیه‌السلام چنین معنایی را می‌فرماید: «ما حجت‌های خداوند بر خلق هستیم و فاطمه حجت خدا بر ما.»

سید احمد الحسن علیه‌السلام، متشابهات، ج ۱، ص ۸۲

عاشقان واقعی این‌گونه‌اند

آیا ازدواج حضرت زهرا علیها‌السلام جوازی
برای کودک همسری است؟!

بررسی سن ازدواج و شهادت حضرت زهرا علیها‌السلام

ظهور مقدس؛ علمای زمینه
سازوبی‌عملان در دسر سازا

به‌بهانه سالروز بازگشت سید خمینی (ره)

آیا ایثار حقیقی تفسیری
مادی دارد؟

آنچه باید درباره زن خود خواه دانست

آیا عیسی علیه‌السلام به مادر خود
توهین کرد؟



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- عاشقان واقعی این گونه اند ۳
- آیا ازدواج حضرت زهرا علیها السلام جوازی برای کودک همسری است؟! ۶
- آیا عیسی علیه السلام به مادر خود توهین کرد؟ ۹
- رابطه عمل و تبلیغ با صلیب خاموشی ۱۳
- آیا ایشار حقیقی تفسیری مادی دارد؟ ۱۵
- پاسخ های فقهی جدید با موضوعات متفرقه ۱۸
- برخورد علمای ادیان با داروین و نظریه فرگشت ۲۴
- ظهور مقدس؛ علمای زمینه ساز و بی عملان دردسرساز! ۲۶
- سامرا امشب عزادار امام است ۳۰



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۹۷، جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۹۹، ۲۲ جمادی الثانیه ۱۴۴۲، ۵ فوریه ۲۰۲۱

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على محمد وآله الطاهرين

روز عشق

عاشقان واقعی این گونه اند

(جامعه شناسی آمریکایی به نام «ویلیام روبنسون» مستند بر نتیجه گیری از مجموعه ای از ماجراهای عشقی می گوید: «عمر فرضی عشق ورزیدن پس از ازدواج، سه سال است و نه بیشتر.»)

همچنین می گوید: «هنگامی که عشق به پایان عمر فرضی اش می رسد، فروغش به خاموشی می گراید و نوعی خواست عمومی را طلب می کند تا اینکه رابطه عاشقانه چشم باز می کند و این مسئله حقیقتی که زندگی مشترک از آن غافل بوده است را درک می کند.»

همچنین او می گوید: «واکنش های شیمیایی مغز غالب بر تراکنش دوست داشتن، بر تولید پالس ها سایه می افکند و پالس های عشق و انرژی عواطف، مدت سه سال به طول می انجامد. سپس این پالس ها متوقف می شود، درست مثل یک باتری خالی و دیگر نمی تواند آزادسازی پالس هایش را از سر گیرد. پس از این، رابطه مبتنی بر عشق، تبدیل به رابطه تعادلی و خالصانه می گردد.»

پروفسور «سندی هازان» از دانشگاه کورنل نیویورک پایان نامه ای را بر اساس تحقیق روی پنجاه هزار زن و مرد از ۳۷ فرهنگ مختلف در سرتاسر عالم چه از پیشینیان و چه افراد اخیر، به اجرا رسانید. این پایان نامه عبارت بود از: مجموعه ای از آزمایش های روان شناسی و بیولوژیکی برای مقایسه سطح عشق و علاقه بین دو نفر که یکدیگر را دوست داشتند، و نتیجه حاصل شده چنین بود:

اواخر ماه بهمن شمسی در تقویم با عنوان روز «عشق» نام گذاری شده است. بسیاری از مردم در غرب و شرق عالم این روز را گرمی داشته و آن را بهانه ای برای عشق ورزی خود به معشوقشان می دانند. با این حال شاید مفهوم عشق هنوز به خوبی تبیین نشده باشد یا اینکه حداقل مفهوم عشق واقعی و مانا از عشق مجازی و زودگذر تفکیک نشده باشد.

عشق زودگذر

بسیاری تصور می کنند که عاشق واقعی هستند در حالی که بعد از گذران مدتی از زندگی و چند سال بعد از ازدواج، کم کم در ارتباط با همسر خود سرد شده و روابط عادی را پی می گیرند. ممکن است بعضی از این اشخاص قبل از ازدواج گمان کنند که عاشق و معشوقی مانند آن ها در عالم پیدا نمی شود و آن ها لیلی و مجنونی جدید هستند؛ ولی بعد از مدت کوتاهی از زندگی مشترک، همه چیز تغییر می کند و همه آرزوها به باد می رود.

به راستی چرا کسانی که خود را عاشق می خوانند بعد از مدت اندکی سرد می شوند؟ آیا آن ها حقیقتاً عاشق بوده اند یا اینکه عشق آن ها، توهمی بیش نبوده است؟

دانشمندان جامعه شناس با تکیه بر تجربیات و مشاهده موارد متعددی از ماجراهای عشقی به نتایج جالبی دست یافته اند:

سید احمد الحسن علیه السلام:

فرجام کار این منتظران ناکام، خسارت است؛ چرا که عمل در پیشگاه امام مهدی علیه السلام را رها کرده و وصی و فرستاده او را تکذیب نموده اند.

(متشابهات، ج ۱، ص ۲۰)

که با این عشق ارتباط داشته باشد، از زنده‌بودن این عشق حقیقی، زنده خواهد ماند. بنابراین، اگر عشق زن نسبت به شوهرش یا عشق مرد نسبت به همسرش به خاطر خداوند و در راه اطاعت از او و به این جهت که همسرش یکی از نزدیکان و اطاعت‌کنندگان خداوند باشد، عشقی حقیقی، زنده و پاینده خواهد بود؛ چراکه از عشق خداوند سرچشمه گرفته است... و کسی که قلب‌ها و دگرگونی‌هایش در دست اوست، چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال را می‌خواهد؟ پس او قادر است که عشق بین زوجین را که بر عشق او سبحان و متعال بنا شده است تداوم ببخشد.» [پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۵، س ۴۵۷]

خداوند همان زنده‌ایست که نمی‌میرد، در حالی که همهٔ خلائق فانی هستند، پس عشق و محبت آن‌ها نیز مثل خودشان، فانی است؛ نتیجه اینکه اگر عشق و محبت مردم در راستای محبت خدا و اطاعت از او

«عشق نمی‌تواند در طول زندگی استمرار یابد؛ چراکه تحقیقات تأکید می‌کند عشق نمی‌تواند بیش از حداکثر هفت سال به همراه رابطهٔ دوستانه زندگی کند، و پس از آن می‌میرد.» [امام احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۵، س ۴۵۷]

عشق واقعی پایدار است

حال که فهمیدیم عشق دنیوی عموماً زودگذر است و بعد از مدتی به عادت روزمره تبدیل می‌شود، به جاست تا بپرسیم کدام عشق ماندنی و پایدار است؟ امام احمد الحسن علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«عشق و دوست‌داشتن واقعی، غیرممکن است بعد از گذشت چند سال و حتی بعد از مرگ و ترک‌کردن این دنیا، پایان پذیرد. بنابراین عشق واقعی و زنده و پابرجا، عشق به خداوند سبحان و متعال است؛ چراکه با آن زندهٔ پابرجای سبحان و متعال ارتباط دارد و به دنبال آن، هر عشقی



سید احمد الحسن علیه السلام:

«اکنون همان زمانی است که مردم در آن «در حیرت و مستی اند، نه مسلمانند و نه نصرانی» (متشابهات، ج ۱، س ۲۰)



بهترین راهکار برای واقعی شدن عشق دانست. به اندازه‌ای که در زندگی نسبت به همسر، فرزندان و حتی دوستان از خود گذشت نشان دهیم این عشق و محبت ما پایدار و دائمی می ماند.



برای اطلاع بیشتر از حقیقت این نوع ایثارگری به فصل پنجم از کتاب «توهم بی خدایی» مراجعه کنید:



نتیجه

چگونه می توانیم تجارب متعدد مردم را ببینیم و از آن عبرت بگیریم؟ چگونه ممکن است عشق زودگذر دنیوی را بر عشق ابدی آسمانی ترجیح دهیم؟ روز عشق فرصتی است تا در واقعیت عشق و محبت خود نسبت به همسر و فرزندان و... تجدید نظر کنیم تا این عشق با بقاء خداوند بماند و ابدی شود. ان شاء الله.

باشد، ماندنی است و الا با آن ها از بین می رود؛ لذا عشق جسمانی که مبتنی بر خودخواهی زن هاست از بین می رود، همان گونه که علم تجربی روز بر این واقعیت، صحه می گذارد؛ اما عشق حقیقی که مرتبط به عالم بالا باشد همیشه می ماند زیرا بر اساس ایشار واقعی و اطاعت خدا بنا شده است. چگونه عشق ورزی خود را در این عالم در راستای محبت خدا قرار دهیم؟

بسیاری از مردم می پذیرند که محبت اگر در راستای حب خدای سبحان نباشد، ماندنی نیست؛ اما در خصوص سازوکار آن و راهکار عمل به آن سؤال دارند.

امام احمد الحسن (علیه السلام) درباره آسمانی ساختن عشق و محبت به فرزند و همسر، این گونه می نویسد: «این شخص باید فرزندان را برای وجه الله نذر کند، به عنوان مجاهدانی که برای برافراشتن کلمه الله جهاد می کنند شاید خداوند آن ها را با حُسن قبول پذیرا شود و به وجهی پسندیده بار آورد.

اما در خصوص همسرش، باید مهریه اش را تلاش به سوی خداوند سبحان و متعال قرار دهد و بخواهد که او را به مقامات عالیه در اطاعت خداوند سبحان و متعال و شناخت خداوند سبحان و متعال تا آنجا که امکان دارد، برساند) [متشابهات، ج ۲، س ۲۶] همان گونه که از ما خواسته شده که به کل خلق محبت کنیم؛ زیرا آفریده های خدا، خانواده او هستند:

«رسول خدا ﷺ فرمود: خلق عیال خداوند است؛ پس محبوب ترین خلق در نظر خداوند کسی است که به عیال خداوند سود برساند و برای خانواده ای سرور و شادمانی فراهم آورد....» [کافی، ج ۲، ص ۱۶۴]

شاید بتوان «از خود گذشتگی بی چشمداشت» را

سید احمد الحسن (علیه السلام):

از عذاب هنگام مرگ کسی نجات پیدا نمی کند، مگر کسی که در دنیا با بدنش زندگی کرده در حالی که قلبش به ملاً اعلی تعلق داشته باشد. (متشابهات، ج ۱، س ۲۳)



آیا ازدواج حضرت زهرا (ع) جوازی برای کودک همسری است؟!

حضرت فاطمه زهرا (ع) پنج سال قبل از بعثت و شهادت ایشان (ع) در ۲۹ سالگی است، چگونه با خبری که تکوین نطفه مطهر ایشان (ع) را در شب معراج رسول خدا (ص) و از میوه ای بهشتی می انگارند [۲]، مطابقت خواهد داشت؟!



بدون تردید معراج پیامبر (ص) بعد از بعثت واقع شده است، که عده ای آن را اوایل بعثت [البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۰۸]، برخی پانزده ماه پس از بعثت [سیره مغلطه ای، ص ۲۷]

چه بسا این پرسش، مسئله ای برای اکثر شیعیان، به ویژه قشر جوان امروزی بوده باشد که آیا به راستی موضوع کودک همسری در خاندان اهل بیت (ع) هم رایج بوده است؟ چنان که برخی، آن را دستاویز قرار دهند و بعضاً تأییدی بر عمل غیر منطقی خویش خوانند؟! و برخی نیز آن را مستمسکی برای تخریب چهره تشیع و اسلام نمایند؟! تا اینکه الحمد لله سید یمانی (ع) با این فرمایش خود، خط بطلان بر چنین افکار باطلی کشیدند. حال بد نیست نگاهی نیز بر اخبار روایات تاریخی داشته باشیم تا مسئله بیشتر روشن شود.

حضرت فاطمه زهرا (ع) در بیستم جمادی الثانی به دنیا آمد. ظاهراً در روز تولد ایشان (ع) چندان اختلافی نیست؛ (حداقل در بین شیعیان)، اما سال تولد ایشان (ع) محل اختلاف تاریخ نگاران است و اقوال گوناگونی در این زمینه وجود دارد. عده ای سال تولد ایشان را پنج سال قبل از بعثت و برخی دیگر آن را پنج سال بعد از بعثت پیامبر (ص) گفته اند [۱] اکنون مسئله این است: اگر تولد

مبنای این نوشتار، پیامی از یمانی آل محمد (ع)، سید احمد الحسن (ع)، در صفحه مبارک فیس بوک ایشان (ع) است که هر انسان حق جویی را به تحقیق و تدبر وا می دارد. پیام بدین شرح است:

Alwaseela taha نوشت:

سلام علیکم ورحمة الله تعالی و برکاته

مولایم، ازدواج خانم فاطمه زهرا (ع) با امام علی (ع) چگونه بود؟!

به این دلیل که از کودکی ام شنیدم خانم فاطمه زهرا (ع) در حالی که ۱۸ سال بود، وفات نمود؛ و در آن زمان، ازدواج کرده بود و مادر ۳ کودک بود. ای زاده بزرگان (علما) امیدواریم [برایمان] توضیح دهید.

آقای من، ان شاء الله در زمان نزدیک و زود، خداوند برای شما تمکین حاصل کند؛ التماس دعا. پاسخ سید احمد الحسن (ع):

«و علیکم السلام ورحمة الله و برکاته

اینکه عمر ایشان (درود خدا بر او)، هنگام شهادت ۱۸ سال بوده است، صحیح نیست.»

[۲۵ نوامبر ۲۰۱۷م]

سید احمد الحسن (ع):

موسی (ع) پس از آنکه دانست فرعون (لع) دشمن خدای سبحان است، بابت باقی ماندنش در کاخ او از خداوند سبحان آمرزش طلبید و به سوی حضرتش توبه نمود.

(متشابهات، ج ۱، ص ۵)



نموده است [التنبیه و الاشراف، ص ۲۵۰]؛ بنابراین ازدواج ایشان در سن ۱۸ یا ۱۹ سالگی بوده است. خبری دیگر، در بحارالانوار، ج ۳ و ۴ ص ۲۱۳- آمده است که سخن مسعودی را تأیید می کند، و آن جریان گفت و گوی جناب «عبدالله بن حسن» علیه السلام در حضور «کلبی» دانشمند نسب شناس معروف با «هشام بن عبدالملک اموی» است. «هشام از عبدالله بن حسن سوال کرد: فاطمه زهرا علیها السلام چند سال عمر کرد؟ عبدالله بن حسن پاسخ گفت: سی سال. هشام این سؤال را از کلبی پرسید و او پاسخ داد: سی و پنج سال. هشام روبه عبدالله بن حسن علیه السلام کرد و گفت: پاسخ کلبی را شنیدی، او عالم به انساب است. عبدالله بن حسن علیه السلام گفت: احوال مادر مرا از من باید پرسید و احوال مادر کلبی را از او.» این گفت و گو در حدود سال های ۱۰۵ تا ۱۲۵ ه.ق، صورت گرفته و عبدالله بن حسن علیه السلام خود نواده حضرت زهرا علیها السلام است. سخن او با سخن مسعودی که وفات فاطمه علیها السلام را در ۲۹ سالگی می داند اختلاف چندانی ندارد. در نتیجه به روشنی می بینیم که اخبار و اقوال تاریخی نیز در راستای فرمایش سید احمد الحسن الیمانی علیه السلام، قرار دارد و دست کم

تا حد زیادی مطابقت دارد نظیر: «بیهقی - متوفی ۴۵۸ ه- [دلائل النبوه، بیهقی، مترجم، ج ۱، ص ۲۱۷]؛ حاکم نیشابوری - متوفی ۴۰۵ ه- [مستدرک، حاکم، ج ۳، ص ۱۶۱]؛ خوارزمی - متوفی ۵۶۸ - [مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۵۱]، محب الدین طبری - متوفی ۶۹۴ ه- [ذخائر العقبی، ص ۲۶]» در نتیجه سخن علمای شیعه و سنی که ولادت فاطمه علیها السلام را ۲۰ جمادی الثانی سال دوم بعثت، یا در سن ۴۱ سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده اند کاملاً با هم مطابقت دارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در ۱۲ ربیع الاول یا ۱۷ ربیع الاول عام الفیل به دنیا آمد و در ماه رجب یا رمضان، آغاز ۴۰ سالگی به نبوت مبعوث گردید که در هنگام بعثت ۳۹ سال و چهار یا شش ماه از سن شریف حضرتش می گذشت؛ بنابراین در ۲۰ جمادی الثانی سال دوم بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله در چهل و یکمین سال زندگی اش بود. در این صورت آن بانو هنگام ازدواج حدود ۱۴ سال و هنگام رحلت ۲۳ سال داشته است. از سویی دیگر، بر اساس نوشته مسعودی - متوفی ۳۴۵ ه- به نظر می رسد در قرن اول، دوم، سوم و چهارم هجری، نزد شیعیان و فرزندان فاطمه علیها السلام چنان شهرت داشته که آن حضرت در سن ۲۹ سالگی وفات

و برخی هجده ماه پس از بعثت [شرح الشفا، ج ۱، ص ۱۵۱] و برخی در سال های دیگری ذکر کرده اند که چه بسا ممکن است بیش از یک بار، اتفاق افتاده باشد. (بایسته است در زمان مناسب از سید یمانی علیه السلام استفتاء شود). بر این اساس هیچ یک از دو تاریخ مشهور پنج سال قبل از بعثت و پنج سال بعد از بعثت را نمی توان به طور قاطع به عنوان سال ولادت آن حضرت پذیرفت؛ لیکن با بررسی دقیق تر اخبار، خواهیم دید که نظریه سومی نیز وجود دارد: یعقوبی - متوفی ۲۸۴ ه.ق- تاریخ نگاری که گرایش وی به تشیع معروف است می نویسد: «فاطمه زهرا علیها السلام هنگام وفات ۲۳ سال داشت» [تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵]؛ عده ای دیگر از علمای بزرگ شیعه بر همین رأی اند و تولد فاطمه علیها السلام را ۲۰ جمادی الثانی سال دوم بعثت ذکر کرده اند، آن ها عبارت اند از: «شیخ مفید - متوفی ۴۱۳ ه- [حدائق الریاض، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۰]؛ شیخ طوسی - متوفی ۴۶۰ ه- [مصباح المتعجد، ص ۷۳۲]؛ کفعمی [مصباح کفعمی، ص ۵۱۲]» این سخن ایشان با سخن علمای اهل سنت که تولد حضرت زهرا علیها السلام را در سن ۴۱ سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند

سید احمد الحسن علیه السلام:

«آل محمد» فرستادگانی از جانب حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستند که علم خود را با وحی یا به واسطه فرشتگان، یا به طور مستقیم از آن حضرت دریافت می کنند.

(متشابهات، ج ۱، ص ۲۳)

ج ۲، ص ۲۲۳؛ مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۲۰۲].

[۳] ناگفته نماند که اربلی در [کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۴۹]، تاریخ تولد حضرت فاطمه زهرا (ع) را سال پنجم بعثت و در سال تعمیر خانه کعبه توسط قریش آورده است که به جهت تناقض نهفته در خبر بدان نپرداختیم؛ زیرا پر واضح است سال تعمیر خانه کعبه قبل از بعثت پیامبر (ص) بوده است و آن از نزاع شدیدی مشخص می‌شود که به موجب کسب افتخار نصب حجرالاسود میان طوایف عرب رخ داد و نهایتاً همگان راضی به داوری محمد امین (ص) شدند. زیرا پس از نبوت حضرت محمد، قریش و دیگر طوایف آشکارا با ایشان به دشمنی پرداختند و به هیچ وجه راضی به داوری ایشان نمی‌شدند.

۱۱۱۰هـ- در بحارالانوار [بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷] روایاتی را نقل کرده‌اند که فاطمه (ع) در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت به دنیا آمد که با این حساب آن بانو هنگام شهادت ۱۸ سال داشته است.

[۲] ر.ک: حاکم نیشابوری [مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۶]؛ خطیب بغدادی [تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۸۷]؛ محب‌الدین طبری [ذخائرالعقبی، ص ۴۴]؛ ابن مغازلی [مناقب ابن مغازلی، ص ۳۵۸]؛ ذهبی [میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۹۷]؛ خوارزمی [مقتل الحسین، ص ۶۴] و عده دیگری از علمای شیعه و سنی آن را روایت کرده‌اند. [لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰؛ علل الشرایع، ص ۷۲-تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۵؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۹۴؛ نزهة المجالس،

مؤید آن است که حضرت فاطمه زهرا (ع) در هنگام شهادت ۱۸ ساله نبوده‌اند و موضوع کودک‌همسری درباره ایشان صادق نیست [۳] الحمدلله الذی جعلنا من المتمسکین بولایت ائمة الهدی و المهدیین (ع).

منابع:

[۱] طبری-متوفی ۳۱۰هـ؛ ابوالفرج اصفهانی- متوفی ۳۵۶هـ؛ [مقاتل الطالبین، ص ۳۰]؛ احمد بن حنبل- متوفی ۲۴۱هـ؛ ابوطلحه شافعی- متوفی ۲۵۴هـ؛ [مطالب السؤل، ص ۹] و عده‌ای دیگر تولد فاطمه (ع) را پنج سال قبل از بعثت ذکر کرده‌اند و از این رو معتقد هستند آن حضرت هنگام رحلت حدود ۲۸ یا ۲۹ سال داشت. مسعودی- متوفی ۳۴۵هـ- که بسیاری او را شیعه دانسته‌اند، [برخی نیز او را شیعه زیدی شمرده‌اند]. می‌نویسد: «اکثر اهل بیت و شیعیان آن‌ها قائلند که فاطمه (ع) هنگام رحلت ۲۹ ساله بود. [التبیه و الاشراف، ص ۲۵۰]

علمای شیعه، نظیر کلینی- متوفی ۳۲۹- در اصول کافی [اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۸]؛ طبری شیعی- متوفی قرن ۴هـ- در دلائل الامامه [دلائل الامامه، ص ۱۰]؛ طبرسی- متوفی ۵۴۸هـ- در اعلام الوری [اعلام الوری، ص ۹۰]؛ مجلسی- متوفی

سیداحمدالحسن (ع):

داوود (ع)، سلیمان (ع)، سلیمان ماست، و هیکل، هیکل ما مسلمانان است نه هیکل یهودی‌های صهیونیست که قاتلان پیامبرانند.

(متشابهات، ج ۱، ص ۲۳)



به مناسبت روز مادر



آیا عیسی علیه السلام به مادر خود توهین کرد؟

می دانستند، رئیس مجلس داماد را مخاطب ساخته، بدو گفت: ۱۰ «هرکسی شراب خوب را اول می آورد و چون مست شدند، بدتر از آن. لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی؟» ۱۱ و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند.» و بار دوم در فصل نوزدهم است:

«۲۵ و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلوپا و مریم مجدلیه ایستاده بودند. ۲۶ چون عیسی مادر خود را با آن شاگردی که دوست می داشت ایستاده دید، به مادر خود گفت: «ای زن، اینک پسر تو.» ۲۷ و به آن شاگرد گفت: «اینک مادر تو.» و در همان ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد.»

معجزه تبدیل آب به شراب، حقیقت یا جعل؟

ابتدا متن اول را بررسی می کنیم و ان شاء الله نکاتی را پیرامون آن ارائه خواهیم کرد:
الف) آیا عیسی علیه السلام ممکن بود چنین سخنی را خطاب به مادرشان بیان کنند (ای زن) در حالی که در عهد قدیم آمده است:
«ملعون باد کسی که با پدر و مادر خود به خفت رفتار نماید.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!» [تثنیه ۲۷: ۱۶]
و در انجیل می خوانیم:

روز مادر نزدیک است و همین موجب شد تا درباره موضوع مربوط به آن مطلبی را بنگاریم.

یکی از مسائلی که خوانندگان انجیل را در بهت فرو می برد نحوه سخن گفتن عیسی علیه السلام با مادر بزرگوارش مریم مقدس علیها السلام است؛ در انجیل یوحنا دو بار مشاهده می کنیم که مریم با عبارت (ای زن) خطاب شده است؛ نخستین بار از این خطاب قرارگرفتن، در فصل دوم مشاهده می شود:

«۱ و در روز سوم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود. ۲ و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند. ۳ و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت: «شراب ندارند.» ۴ عیسی به وی گفت: «ای زن مرا با تو چه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است.» ۵ مادرش به نوکران گفت: «هر چه به شما گوید بکنید.» ۶ و در آنجا شش قدح سنگی بر حسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت. ۷ عیسی بدیشان گفت: «قدح ها را از آب پر کنید.» و آن ها را لبریز کردند. ۸ پس بدیشان گفت: «الآن بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید.» پس بردند؛ ۹ و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود، بچشید و ندانست که از کجاست، لیکن نوکرانی که آب را کشیده بودند،

سید احمد الحسن علیه السلام:

سرزمین مقدس، سرزمین ماست که باید آزاد و فتح شود و پرچم «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» بر آن به اهتزاز درآید.

(متشابهات، ج ۱، س ۲۳)



در اعمال رسولان، فصل ۲، آیه ۲۲ سخن پطرس وصی عیسی را می‌خوانیم که فرمود:
«ای مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید. عیسی ناصری مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوات و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنان‌که خود می‌دانید.»

پس آیا خدا چنین عمل زشتی را انجام می‌دهد و می‌خواهد که فساد در زمین منتشر شود؟ در کتاب مقدس می‌خوانیم:

«۱۸ اگر کسی را پسری سرکش و فتنه‌انگیز باشد، که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد، و هر چند او را تأدیب نمایند ایشان را نشنود، ۱۹ پدر و مادرش او را گرفته، نزد مشایخ شهرش به دروازه محله‌اش بیاورند. ۲۰ و به مشایخ شهرش گویند: «این پسر ما سرکش و فتنه‌انگیز است، سخن ما را نمی‌شنود و مسرف و می‌گسار است.» ۲۱ پس جمیع اهل شهرش او را به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد، پس بدی

«۱۶ ناگاه شخصی آمده، وی را گفت: «ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟» ۱۷ وی را گفت: «از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست، جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.» ۱۸ بدو گفت: «کدام احکام؟» عیسی گفت: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، ۱۹ و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس [جان] خود دوست دار.» [متی، فصل ۱۹].

آیا او هم مثل کاتبان و فریسیان بود؟ حاشاه.

«۱ آنگاه عیسی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرده، ۲ گفت: «کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند. ۳ پس آنچه به شما گویند، نگاه دارید و به جا آورید، لیکن مثل اعمال ایشان نکنید زیرا می‌گویند و نمی‌کنند.» [متی، فصل ۲۳].

ب) معجزات از سوی خداست و نه عیسی علیه السلام؛



سید احمد الحسن علیه السلام:

وابستگی انسان به دنیا (خانه، همسر، فرزندان، مال و دیگر تعلقات دنیوی) عبارت است از: ریسمان‌هایی که انسان با دست خودش آن‌ها را گره زده است و بدون بریدن این ریسمان‌ها و تعلقات، روح از دنیا خارج نمی‌گردد و از جسد منفصل نمی‌شود.
(متشابهات، ج ۲، س ۲۶)

اما آیا شاگردانش به واسطه این قضیه به او ایمان آوردند؟ خیر! وقتی به فصل قبلی یعنی فصل اول رجوع می‌کنیم، می‌بینیم: «۴۱ و یکی از آن دو که سخن یحیی را شنیده، پیروی او نمودند، اندریاس برادر شمعون پطرس بود. ۴۲ او اول برادر خود شمعون را یافته، به او گفت: «مسیح را (که ترجمه آن کرستس است) یافتیم.» و چون او را نزد عیسی آورد، عیسی بدو نگریسته، گفت: «تو شمعون پسر یونا هستی؛ و اکنون کیفا خوانده خواهی شد (که ترجمه آن پطرس است).»



را از میان خود دور کرده‌ای و تمامی اسرائیل چون بشنوند، خواهند ترسید.» [تثنیه، فصل ۲۱] «شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد، و هرکه به آن فریفته شود حکیم نیست.» [امثال ۲۰: ۱].

«۳۱ به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ‌فام است، چینی که حباب‌های خود را در جام ظاهر می‌سازد، و به ملایمت فرو می‌رود؛ ۳۲ اما در آخر مثل مار خواهد گزید، و مانند افعی نیش خواهد زد. ۳۳ چشمان تو چیزهای غریب را خواهد دید، و دل تو به چیزهای کج تنطق خواهد نمود، ۳۴ و مثل کسی که در میان دریا می‌خوابد خواهی شد، یا مانند کسی که بر سر دکل کشتی می‌خسبد.» [امثال، فصل ۲۳] «۱۱ وای بر آنانی که صبح زود بر می‌خیزند تا در پی مسکرات بروند، و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید ۱۲ و در بزم‌های ایشان عود و بربط و دف و نای و شراب است. اما به فعل خداوند نظر نمی‌کنند و به عمل دست‌های وی نمی‌نگرند.» [اشعیا، فصل ۵] «وای بر آنانی که برای نوشیدن شراب زور آورند، و به جهت ممزوج ساختن مسکرات مردانی قوی هستند.» [اشعیا ۵: ۲۲]

این آیات نشان می‌دهد که خوردن شراب در نظر خدا خوب نیست؛ پس چگونه می‌توان باور کرد که او زمینه را برای فساد و گناه مهیا کند؟

پ) به متن اول رجوع کنید؛ در بخشی از متن آمده است: «۱۱ و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند.»

سید احمد الحسن علیه السلام:

اصحاب یمین که در رتبه‌ای پایین‌تر از مقرّبین هستند، هر چند بهشتی هستند، ولی از عذاب مرگ نجات نمی‌یابند.

(متشابهات، ج ۲، س ۲۶)

پس این آیات نشان می‌دهد که پیش از این واقعه، حداقل برخی از شاگردان به او ایمان آورده بودند.

در نتیجه متن اول با توجه به شواهد، متنی ساختگی است؛ اما هر جعلی به غرضی انجام می‌شود، فکر می‌کنید علت این کار چه بود؟

مصلوب و چرایی خطاب «ای زن» به مریم

در کتاب «سیزدهمین حواری» که متعلق به احمد الحسن علیه السلام است او با دلایل محکم از کتاب مقدس اثبات می‌کند که مصلوب ممکن نیست عیسی علیه السلام باشد؛ در نتیجه خطاب قراردادن مادر عیسی علیه السلام با عبارت (ای زن) توسط شخص به صلیب کشیده‌شده، هیچ اشکالی ندارد؛ چراکه مریم علیه السلام مادر او نبود.

پس به احتمال زیاد غرض جعل‌کننده به این دلیل بود که می‌خواست سخن مصلوب علیه السلام به مریم علیه السلام را عادی جلوه دهد؛ اما او با این کار خیانت بزرگی به عیسی علیه السلام روا داشت.

نتیجه

با بررسی متون مشخص شد که ماجرای کلام ناشایست عیسی علیه السلام خطاب به مادرشان و در کل داستان معجزه شراب، ساختگی و جعلی است و کسی که بر صلیب رفت نیز عیسی علیه السلام نبود؛ بلکه شخص دیگری بود؛ بنابراین خطاب کردن مادر عیسی علیه السلام با عبارت (ای زن) بدون اشکال است؛ در نتیجه ما نباید هر متنی از انجیل را قبول کنیم چراکه در آن تحریفاتی وارد شده است جز اینکه متن با حقایق و واقعیات سازگار باشد.

«۴۳ بامدادان چون عیسی خواست به‌سوی جلیل روانه شود، فیلیپس را یافته، بدو گفت: «از عقب من بیا.» ۴۴ و فیلیپس از بیت صیدا از شهر اندریاس و پطرس بود. ۴۵ فیلیپس نتانیل را یافته، بدو گفت: «آن کسی را که موسی در تورات و انبیا مذکور داشته‌اند، یافته‌ایم که عیسی پسر یوسف ناصری است.»

«۴۹ نتانیل در جواب او گفت: «ای استاد تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیل هستی!» ۵۰ عیسی در جواب او گفت: «آیا از اینکه به تو گفتم که تو را زیر درخت انجیر دیدم، ایمان آوردی؟ بعد از این چیزهای بزرگتر از این خواهی دید.»»



سید احمد الحسن علیه السلام :

برای اینکه انسان جزو مقربین باشد و در عین حال از زن و مال و فرزند و خانه و هر چه اهل دنیا دارند برخوردار باشند، تنها یک راه باقی می‌ماند؛ اینکه به شیوه ائمه علیهم السلام گام بردارد، آنگاه که آن‌ها علیهم السلام بر فقرا و مساکین و به‌ویژه یتام بی‌حد و مرز انفاق می‌کردند.

(متشابهات، ج ۲، س ۲۶)

شبیه («شبیه عیسی») باشیم

رابطه عمل و تبلیغ با صلیب خاموشی

نشد؛ بلکه رفع شد و خداوند او را از دست یهود و علمای گمراه و گمراه‌کننده‌شان که خداوند لعنتشان کند، نجات داد...

آخرین کلماتی که این وصی هنگام به صلیب کشانده‌شدنش بر زبان می‌راند «ایلیا، ایلیا، چرا ترکم کردی» است...

این وصی این کلمات را به دلیل جهلش نسبت به علت فروفرستاده‌شدنش یا از روی اعتراض بر فرمان خداوند سبحان و متعال بر زبان نراند؛ بلکه این پرسشی است که پاسخ را در بطن خود نهان دارد و خطابش به مردم است؛ یعنی بدانید و آگاه باشید که چرا من فروفرستاده شدم، چرا به دار آویخته شدم و چرا

هست و ایشان با این جملات ما را متوجه سختی مسیر و راه دعوت حق می‌نماید تا با چشمانی بازتر به راه خود توجه کنیم و در ادامه گزیده‌ای از کلام ایشان را در همین رابطه قرار خواهیم داد تا ان شاء الله تذکری برای همه ما باشد.

«پس از نیمه‌شب که حواریون خوابیدند و حضرت عیسی علیه السلام باقی ماند، خداوند او را مرفوع کرد (بالا برد) و شبیه او را که به دار آویخته و کشته شد، فرو فرستاد. او سپر و فدایی عیسی علیه السلام شد و این شبیه، از اوصیا از آل محمد علیهم السلام است؛ او به موجب قضیه امام مهدی علیه السلام، مصلوب و کشته شد و عذاب را به جان خرید. حضرت عیسی علیه السلام مصلوب و کشته

«علمای بنی اسرائیل دنیا و مال دنیا را دوست می‌داشتند؛ از همین رو مردم نیز به دنیا و مال دنیا متمایل شده بودند و رفته‌رفته سفارشات پیامبران را به کناری می‌نهادند؛ «چون عالم فاسد شود، عالم فاسد می‌شود». هرچه بگنجد نمکش می‌زنند وای به روزی که بگنجد نمک! به این ترتیب در جامعه، طبقاتی مرفه و در ناز و نعمت پدید آمدند که از فرط سیری به حد انفجار رسیده بودند، و در مقابل، بینوایانی که در طول سال از فرط گرسنگی به خود می‌پیچیدند. مالیات‌ها، کمر کارگران و کشاورزان را شکسته بود؛ با اینکه بسیار کار می‌کردند جز اندکی نصیبشان نمی‌شد. گروهی کار می‌کردند و نمی‌خوردند و در مقابل، گروهی دیگر می‌خوردند و کار نمی‌کردند؛ و عالمان نازپرورده نیز برای تغییر این اوضاع فاسد تلاشی نمی‌کردند. در چنین فضای سست و رخوت‌آلودی عیسی برانگیخته شد تا به مردم بگوید: هر که می‌خواهد مرا پیروی کند آماده مرگ و به صلیب کشیده‌شدن باشد؛ و این، یعنی دعوت به قیام و انقلاب.» [۱]

چقدر شرایط فعلی زمانه ما شبیه این کلام سید احمد الحسن علیه السلام

سید احمد الحسن علیه السلام:

بنده باید در تمام احتیاجات خود رو به سوی خدای سبحان کند و دیگران را صرفاً وسیله و ابزاری در دست خداوند به شمار آورد که خدا به هر نحو و در هر کجا که اراده فرماید برای برآورده‌شدن حاجتش آن‌ها را به کار می‌گیرد.

(متشابهات، ج ۲، ص ۲۷)



اصرار کردند و مصرّانه از او پرسیدند تو کیستی، و آیا تو مسیح هستی، فقط بایک عبارت پاسخ آن‌ها را داد: تو می‌گویی!

و به این ترتیب او ساکت و خاموش و راضی به امر خدا، به‌سوی عذاب و به صلیب کشیده‌شدن و کشته‌شدن رفت تا فرمانی را که برای آن فرود آمده بود به انجام برساند؛ اینکه به جای حضرت عیسی علیه السلام بر دار و کشته شود...

امیدوارم هر مؤمنی که در پی درک و شناخت حقیقت است، از این مطلب بهره‌مند شود. این انسان به زمین فرود آمد، به صلیب کشانده شد، کشته شد در حالی که هیچ‌کس نمی‌دانست، او نخواست که از او یاد شود یا شناخته گردد. ساکت و خاموش پایین آمد، خاموش رفت، خاموش کشته شد و خاموش به‌سوی پروردگارش بالا رفت. اگر می‌خواهید این‌گونه عمل کنید، چنین باشید.» [۲]

منابع:

[۱] گوساله، ج ۱، ص ۷۱-۷۲.

[۲] متشابّهات، ج ۴، ص ۱۷۹.

عیسی علیه السلام مصلوب و به قتل برسد... در این متن اخیر، وصی روشن می‌سازد که از اهل زمین در آن زمان نیست؛ بلکه برای انجام مأموریتی در آن فرود آمده است و آن، فداشدن برای حضرت عیسی علیه السلام است، و شما می‌بینی که این وصی می‌گوید: «پادشاهی من متعلّق به این دنیا نیست»، «ولی اکنون پادشاهی من از این جهان نیست» و «و به این جهت به این جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم»...

توجّه داشته باشید که عیسی علیه السلام پیامبر مرسل (فرستاده‌شده) است و از خداوند سبحان و متعال درخواست می‌کند که معاف شود و به دار آویخته‌شدن و عذاب و قتل از او برداشته شود. خداوند سبحان و متعال دعای پیامبر مرسل را هرگز رد نمی‌کند. بنابراین خداوند دعایش را مستجاب نمود، او را بالا برد و به جای او، آن وصی که مصلوب و مقتول شد را فرو فرستاد. در انجیل متن‌های مختلفی وجود دارد که در آن‌ها عیسی علیه السلام دعا می‌کند که به صلیب کشیده‌شدن و قتل از او برداشته شود...

آن کس که ساکت و خاموش به قربانگاه رفت، شخص وصی یعنی شبیه عیسی بود که بدون اینکه سخنی بگوید یا از خدا بخواهد آزار و به صلیب کشیده‌شدن و قتل را از او دور کند، بر دار رفت و کشته شد. او با مردم سخن نگفت و هنگامی که به او

کشته شدم تا مبادا یک بار دیگر که همین سؤال تکرار شد، در امتحان شکست بخورید؛ آنگاه که دیدید رومیان (یا همانندهای آنان) زمین را به اشغال خود درآورند و علمای یهود (یا همانندهای آنان) با آن‌ها سازش می‌کنند و من بر این زمین خواهم بود و این سنت الهی است که تکرار می‌شود، عبرت گیرید و مرا وقتی آمدم یاری کنید و بار دیگر در به دار آویختن و به قتل رسانیدنم مشارکت نکنید!

او می‌خواهد با این پرسش که برای هر عاقل پاک‌سرشتی پاسخ روشن است، بگوید: من به صلیب کشیده شدم و آزار و اهانت‌های علمای یهود را تحمل کردم و به‌خاطر قیامت صغری، قیامت امام مهدی علیه السلام و دولت حق و عدل الهی بر این زمین کشته شدم.

و هنگامی که علمای یهود و حاکم رومی از این وصی می‌پرسد: آیا تو پادشاه یهود هستی؟ در پاسخ می‌گوید: تو این‌طور گفتی، یا آن‌ها می‌گویند، یا شما می‌گویید. او نمی‌گوید آری، که برای کسی که حقیقت را نداند پاسخی است غریب و شگفت‌آور؛ اما اکنون آشکار و واضح گردید.

او نگفت آری؛ زیرا او پادشاه یهود نبود بلکه پادشاه یهود، عیسی علیه السلام بود که خداوند او را بالا برد و او همان شبیهی است که فرود آمد تا به جای

سید احمد الحسن علیه السلام:

اگر بنده به خدا توجّه کند، تعامل با خلق زبانی به او نمی‌رساند.

(متشابّهات، ج ۲، ص ۲۷)

آنچه باید درباره‌ی ژن خودخواه دانست

آیا ایتار حقیقی تفسیری مادی دارد؟

و نظریه‌ی میم‌ها می‌تواند مهم‌ترین مؤلفه در فرهنگ انسان را که همان ویژگی‌ها و منش‌های منحصر به فرد از قبیل ایتارگری واقعی است و فرضیه‌ی ژن خودخواه از شرح و بسط آن عاجز است، شرح دهد؟

حیوانات که انسان نیز از آن‌ها محسوب می‌شود معمولاً بر اساس نیت و خودخواهی عمل می‌کنند. در طبیعت کسی پیدا نمی‌شود که بدون هیچ چشمداشت و غرضی به دیگری غذا بدهد یا مراقب احوال او باشد. حیوانات در سطح فردی به یکدیگر خوراک نمی‌خورانند و از هم مراقبت به عمل نمی‌آورند. جنس نر با این اهداف برای جنس ماده غذا فراهم می‌کند و لانه می‌سازد که می‌خواهد از طریق تلقیح تخمکی که ماده غذای جنین را قرار می‌دهد، ژن‌های خود را به نسل بعد انتقال دهد. والدین نیز به فرزندان خود غذا می‌دهند و از آن‌ها مواظبت می‌کنند، ولی آیا این ایتار واقعی است؟ و اگر واقعی نباشد هنگامی که ما به دنبال اثبات این ویژگی انسان هستیم که او موجودی است اخلاق‌گرا و اینکه رنج ایتار را به دوش می‌کشد، از کدام ایتار سخن می‌رانیم؟ بنابراین ضروری است ایتاری را که مدنظر ماست به‌طور واضح و آشکار تبیین کنیم تا اجازه ندهیم غرض‌ورزانی که به دنبال نادان نگاه داشتن مردم هستند، تک‌قاعده‌ی منحرف

مجموعه‌ای از انسان‌های هموساپینس مهاجر، توانستند در صدهزار سال اخیر به پیشرفت‌های چشمگیر فرهنگی برسند به‌طوری که با مشاهده‌ی الواح گلی که از سومری‌ها به جا مانده، می‌بینیم که دارای قوانین اخلاقی بالا و نیز زندگی اجتماعی و پرداختن به کشت و زرع بودند. اینجا رمز و رازی وجود دارد که باعث بروز نوعی جهش بزرگ و آشکار در هموساپینس‌ها شده است که این سؤال پیش می‌آید؛ چگونه این انسان‌ها در مدت کم به این حد از توانایی‌ها رسیده‌اند؟ بنابراین چاره‌ای نیست جز اقرار به اینکه چیز جدیدی وارد این معادله شده است که باعث این پیشرفت شده و از برجسته‌ترین نمونه‌هایی که از آن به ما رسیده است، ارزش‌های والای اخلاقی از قبیل ایتار و عدالت است و این مسئله بعضی از خدانا‌باوران از جمله «دکتر داوکینز» را بر این داشت که نظریه‌هایی را ارائه بدهند که معیارهای اخلاقی والا همچون ایتارگری واقعی را به خودخواهی ژن‌ها نسبت دهند که یکی از این نظریه‌ها، نظریه‌ی میم‌هاست. میم در فرهنگ همانند ژن در زیست‌شناسی است که این میم‌ها به معنای فرهنگ مشخصی است که موجودات آن‌ها را انتقال می‌دهند و گروه‌ها و نسل‌ها آن‌ها را یکی پس از دیگری فرا می‌گیرند. در حال حاضر آنچه فهمش برای ما مهم است این است که طرح

سید احمد الحسن (علیه السلام):

در فطرت انسان نقطه‌ای تاریک وجود دارد که همان شائبه‌ی عدم و ظلمت است.

(متشابهات، ج ۲، ص ۲۷)



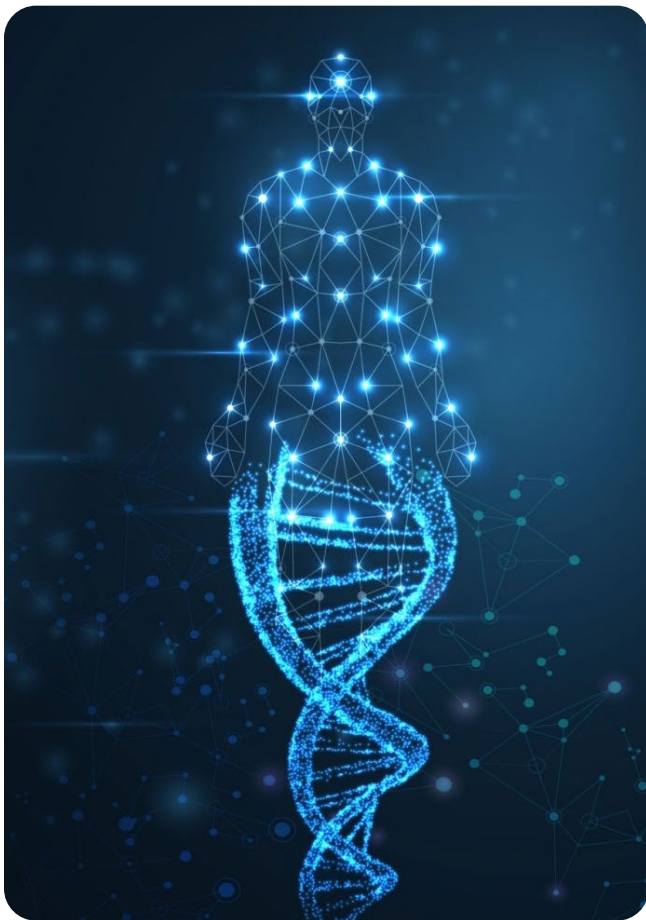
است.

همچنین ایثارگری دو جانبه نیز نوعی ایثارگری غیرواقعی است که حامل صفت (به من بده تا من هم به تو بدهم) است که این صفت را ژن‌ها پایه‌گذاری کرده‌اند و امکان ندارد که به (بی‌هیچ چشمداشتی به تو می‌دهم) تبدیل شود. زیرا این شیوه راهبرد برتر تکامل است که در زمان احتیاج به آن، نمود و کارایی بیشتری داشته باشد. این قضیه را می‌توان در نظافت برخی حیوانات توسط گروهی دیگر یا غذا دادن خفاش خون‌آشام به همسایه‌اش ملاحظه کرد؛ مثلاً خفاش‌های خون‌آشام بیش از دو روز نمی‌توانند بدون غذا زندگی کنند؛ بدین ترتیب ایثارگری دو جانبه راه نجاتی است برای هر

خود را به کرسی بنشانند.

به‌طور کلی همه ما می‌دانیم ایثار چیست و می‌دانیم که در برابر خودخواهی قرار می‌گیرد و نیز می‌دانیم که ایثار یعنی برتری دادن دیگری بر خود یا بر شخص دیگری که از لحاظ نوعی رفتار خاص با ما قربت دارد. اگر به پیرامون خود نگاهی بیندازیم می‌بینیم برخی حیوانات بعضاً رفتارهای ایثارگرانه‌ای از خود نشان می‌دهند؛ مثلاً می‌توانیم نمود آن را در رفتار پدران و مادران در قبال فرزندانشان، رفتار زنبورهای کارگر در برابر ملکه و دیگر کارگران و نیز کل کندو مشاهده کنیم؛ ولی آیا این ایثارگری واقعی است یا به ظاهر ایثارکردن و در واقع خودخواهی ژنتیکی است. واقعیت بیولوژیکی آن است که پدر و مادر به این دلیل از فرزندان خود مراقبت می‌کنند که ژنی در ژنوم آن‌ها ایشان را به چنین رفتاری سوق می‌دهد؛ مثلاً از طریق تأثیری که بر ساخت سیستم عصبی، مغز، غدد یا هورمون‌ها از خود بر جای می‌گذارد و یکی از دلایل موفقیت ژنوم آن‌ها در انتشار و بقا وجود این ژن است که ایشان را به آن رفتار ایثارگرانه سوق می‌دهد و نیز فداکاری زنبورهای کارگر برای محافظت از کندو و ملکه و خواهرانش، بر اساس خودخواهی ژن‌هایی است که از ویژگی موفقیت در انتقال، استمرار و بقا برخوردارند.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که چگونه ژنوم والدین در بقا و استمرار فرزندان بهره‌مند می‌شود؟ پاسخ این سؤال را می‌توان به‌سادگی بیان کرد؛ زیرا فرزندان حامل درصد معینی از ژن‌های والدین خود هستند؛ در نتیجه این ایثارگری در واقع ژنتیکی و خودخواهانه



سیداحمدالحسن علی‌علیه‌السلام :

این نقطه تاریک [در فطرت انسان]، محل اتصال پوزه و خرطوم شیطان است که از طریق

آن انسان را وسوسه می‌کند.

(متشابهات، ج ۲، ص ۲۷)

تدوین‌شده دربارهٔ ایشار که به ما رسیده است، متون دینی و دعوت‌های دینی است که شخصیت‌های مذهبی ابراز داشته‌اند. این نوع ایشار، سنتی ثابت‌شده در باستانی‌ترین تمدن‌های زمین به شمار می‌رود؛ مانند سومر و اکد که شخصیت‌های بارز آن‌ها کسانی همچون نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام بودند. دعوت به ایشار همواره صبغه و رنگ دینی داشته و پیامبران، فرستادگان و حاملان رسالت‌های الهی قهرمان‌های این عرصه بوده‌اند.

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»

«و طعام را در حالی که خود دوستش دارند [یا برای دوستی او] به مسکین، یتیم و اسیر می‌خورانند.» [قرآن کریم، سوره انسان، آیات ۷ و ۸]

منبع:

احمدالحسن، توهّم بی‌خدایی، ترجمه فارسی، فصل پنجم.

خفاشی که نتواند یک شب غذا بیابد؛ چراکه مقدار خفاش‌هایی که غذایی برای خوردن پیدا نمی‌کنند بسیار است.

علاوه بر این ایشار برای شهرت نیز وجود دارد که در واقع می‌توانیم آن را به‌گونه‌ای از ایشارگری دو جانبه به شمار آوریم؛ به‌ویژه اگر هدف در ایشارگری غذا، رسیدن به فخرفروشی و شهرت و در نتیجه رسیدن به سود بیشتری همچون توجه تعداد بیشتری از افراد جنس ماده و سپس ازدواج با تعداد بیشتری از آن‌ها باشد. بنابراین همگی ریشهٔ ژنتیکی و طبیعی دارند. قطعاً این نوع ایشارگری غیرواقعی که ساخته‌وپرداختهٔ خودخواهی ژن‌هاست مدنظر ما نیست؛ زیرا ما دنبال نوعی ایشارگری اخلاقی هستیم که اصولاً ارتباطی با مصلحت و منفعت ژن‌ها ندارد. ایشاری که در پی آن هستیم ایشاری است که فرد فداکار در مقابل آن، چشمداشت هیچ سود و ستایشی در آینده ندارد.

اگر این موضوع را از منظر تاریخی بررسی کنیم، می‌بینیم که پیامبران و نیکوکاران، قهرمانان میدان این نوع ایشار هستند و کهن‌ترین آثار



سیداحمدالحسن علیه السلام:

حجاب‌های ظلمت و نور با حرکت کردن به سمت خدای متعال و کسب رضایت او برداشته می‌شود.

(متشابهات، ج ۲، س ۲۸)



پاسخ‌های فقهی جدید با موضوعات متفرقه

این مجموعه‌ای از پرسش‌های فقهی است که از مکتب مبارک دریافت کردیم و سید احمد الحسن علیه السلام آن‌ها را پاسخ داده است و ما آن‌ها را برای بهره‌بردن شما مؤمنان عزیز ارائه می‌کنیم.



مردی با زنی که (در دادگاه صدام) به‌صورت غیابی طلاق داده شده است، ازدواج کرد و طلاق نیز بدون رضایت شوهر بوده است و زن اکنون مؤمن است و شوهر دوم او نیز مؤمن است.

شوهر می‌پرسد آیا ازدواج آن‌ها از لحاظ شرعی صحیح است یا خیر؟ اگر ازدواج باطل باشد عواقب آن چیست؟

توجه داشته باشید که طلاق، بدون [حضور] شیخ بوده و به‌موجب رهاکردن از طرف شوهر برای مدت دو سال (طبق گفته‌های زن) اتفاق افتاده است و در حقیقت پس از اعتراف زن بوده است (که زن گفت شوهرم مرا مورد ضرب و شتم قرار می‌داد و مرا ۹ ماه رها کرد و نفقه مرا پرداخت نمی‌کرد)؛

در نتیجه قاضی وی را فقط به‌دلیل رهاکردن (هَجْر) طلاق داد.



طلاق، طلاقِ خلع محسوب می‌شود؛ بنابراین ازدواج آن‌ها صحیح است.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع

سید احمد الحسن علیه السلام :

حجاب‌های ظلمت به‌طور خاص با دور شدن از لشکریان جهل و اخلاق ناپسند و با دوری از منیت و کنار گذاشتن آن، برداشته می‌شود.

(متشابهات، ج ۲، س ۲۸)





حکم شرعی افتتاح هتل برای اهداف گردشگری چیست، نظر به اینکه بیشتر گردشگران علاوه بر دیدن جاذبه‌های طبیعی، برای [دیدن] یک معبد هندوی نزدیک به آنجا می‌آیند؟ خواستار دعای شما هستم.



جایز است.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع



حدومرز حق پدر در حدیث ذکر شده از اهل بیت علیهم السلام (فرزند و آنچه در اختیار دارد برای پدرش است) چیست؟
آیا پدر حق دارد به اتاق پسرش وارد شود و آنچه در آن است را بردارد و آیا جایز است پسر، حق خود را از پدرش مطالبه کند؟
(نظر به اینکه پسر انصاری است و پدر از مخالفین است). ممنون.



هر شخصی، چه زن و چه مرد، از حقوق کامل انسانی از جمله حقوق مالکیت برخوردار است و پدر یا مادر حق ندارد به حقوق وی دست‌درازی یا از او سلب کند؛ بلکه حتی دست‌بردن در آن‌ها در راستای مصلحت فرزند بدون اجازه از او یا اجازه قانونی -در صورت صغیر بودن- مجاز نیست.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع

سید احمد الحسن علیه السلام:

حجت علیه السلام محل رسیدن فیض به زمین است. پس به سبب وجود او در تمام آسمان‌ها و مقامات قدسی بالایی، مثل او در این زمین مثل ناف نوزاد است که محل رسیدن غذا از مادر به نوزاد است.
(متشابهات، ج ۲، س ۲۹)





اگر فراموش کنم نماز وصیت را بین نماز مغرب و عشا بخوانم، آیا خواندن آن بعد از نماز عشا جایز است؟



جایز است.
اگر وقت نماز مستحب بگذرد، می‌توانی آن را در وقت دیگری بخوانی.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع



اگر نفت یا بنزین نجس شود، آیا قبل از استفاده باید آن را تطهیر کرد و روش تطهیر آن چیست؟



واجب نیست تطهیر شود.

سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع



سید احمد الحسن علیه السلام:
کلید هر آسمان و خروج به آن و به آسمانی که پس از آن است، «الله اکبر» است.
(متشابهات، ج ۲، س ۳۳)





من از مالزی هستم و سؤالاتی فقهی دارم:
مالزی کشوری است با سختگیری‌های مذهبی که «پیگرد قانونی» را برای یک اقلیت مذهبی دنبال می‌کند. به همین دلیل انجام صریح آیین و مذهب برای من دشوار است؛ اگر هنگام انجام عبادت مخالف با مذهب رسمی دولت، دستگیر شوم شغل خود را از دست می‌دهم و حتی به زندان انداخته خواهم شد. بنابراین، در خصوص مسئله اقامه نماز سؤالاتی ایجاد می‌شود؛ زیرا مجبورم هر روز به محل کار خود بروم و فرصت نماز خواندن در مکانی که هیچ شخصی در آن نیست، وجود ندارد.

۱. آیا می‌توانم مانند مکتب شافعی، با قراردادن دست روی همدیگر، نماز بخوانم؟
۲. اگر فرصتی برای اقامه نماز وجود داشته باشد در مواقعی که کسی در کنارم نباشد و مدت زمان آن کوتاه باشد، آیا می‌توانم از اذان و اقامه یا حتی یکی از آن‌ها بگذرم؟
۳. آیا عضویت در یک حزب سیاسی با نیت دعوت کردن و مبارزه برای حقوق بشر مجاز است؟ آیا اگر صادقانه بگوییم به حاکمیت خدا ایمان داریم، می‌توانم این کار را انجام دهم؟



۱. جایز است.
۲. جایز است.
۳. اکنون از این کار اجتناب کنید.



انواع مختلفی از ساعت‌ها وجود دارد که دارای درصدی طلاست، به گونه‌ای که به پوست برخورد نمی‌کند، آیا استفاده از این نوع ساعت‌ها برای مردان مجاز است؟
حکم پوشیدن طلای سفید برای مردان چیست؟



استفاده از انگشتر، ساعت یا هر چیز دیگر از طلا - تمام انواع طلا - در صورتی که نسبت طلای موجود در آن کمتر از ناخالصی‌ها یا فلزات دیگر باشد، مجاز است.
به عنوان مثال، پوشیدن طلای ۳۷۵ عیار برای مرد مجاز است، خواه طلای سفید باشد یا زرد.



سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع

کار در دادگاه ایران به عنوان قاضی، بازپرس، دادستان عمومی، اجرای احکام یا وکیل و کلیه موارد مربوط به امور قضایی در ایران چه حکمی دارد؟



تا زمانی مجاز است که از ظلم به دیگران جلوگیری کنید یا قضاوت‌های ناعادلانه و ستمکارانه انجام ندهید.



سید احمد الحسن علیه السلام ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع





من به‌عنوان خلبان در نیروی هوایی کار می‌کنم و ما دستوراتی را برای انجام پروازها بر اهداف ترسیم‌شده توسط مقامات ذی‌صلاح دریافت می‌کنیم و مطمئنیم دشمنانی نفوذی در میان خانواده‌ها وجود دارند. کسی که دشمن نفوذی را هدف قرار می‌دهد چه حکمی دارد؛ اگرچه از نظر ما اکنون این دشمن تهدیدی برای مقدسات یا امنیت کشور نیست زیرا بسیار دور است؛ مثلاً در بیابان‌ها یا در شهرهای غرب عراق یا در مرزها؟



در وضعیت ذکر شده، هدف قراردادن یا بمباران تروریست‌ها مشکلی ندارد.

سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع



برخی از برادران در ایران در خصوص پیوستن به خدمت اجباری در ایران سؤال می‌کنند، زیرا این امر به کسانی که به خدمت نمی‌روند، آسیب می‌رساند، دادن گذرنامه، مسئولیت‌های اداری و موارد دیگر بر وی ممنوع می‌شود، حکم شرعی پیوستن به آن چیست؟



پیوستن مجاز است.

سید احمد الحسن (علیه السلام) ۲۷/ جمادی الاول/ ۱۴۴۲

منبع

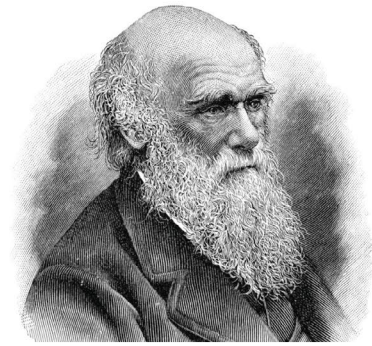


سید احمد الحسن (علیه السلام):
تسبیح با شکر آغاز می‌شود و با حمد پایان می‌یابد.
(متشابهات، ج ۲، س ۳۷)



برخورد علمای ادیان با داروین و نظریه فرگشت

آیا نظریه فرگشت می‌گوید جد انسان میمون است؟!



شواهد کالبدشناسی تطبیقی، دلایلی که از حیوانات کشف شده و نتایجی که از بررسی‌های صورت گرفته بر آن‌ها به دست آمده است، «نه» می‌گویند.

بالاتر از همه این‌ها زنجیره سنگواره‌هایی هستند که سرانجام ما را به موجوداتی می‌رسانند که در طول میلیون‌ها سال، راست قامت بوده و فقط روی دو پای خود راه می‌رفته‌اند.

دلایل زیست‌شناسان در تأیید نظریه فرگشت، بیش از مقدار مورد نیاز برای اثبات یک نظریه است. اکنون این نظریه یک واقعیت علمی است که در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. در حال حاضر زیست‌شناسان به دنبال دلایل اثبات فرگشت نیستند؛ بلکه در جست‌وجوی سازوکارها و پیشینه تاریخی آن هستند. با این حال هنوز که هنوز است، بسیاری از فقهای دین بدون هیچ دلیل یا مدرک علمی، فرگشت را رد می‌کنند؛ و ای کاش به این کار بسنده می‌کردند؛ چرا که برخی از آن‌ها، معتقدان به فرگشت را کافر و مهدورالدم به شمار می‌آورند!

به طور کلی، ما موضوع فرگشت و دلایل آن را به اختصار بیان خواهیم کرد؛ ولی ای کاش کسی که خود را عالم دینی می‌نامد، وقتی تکامل را رد می‌کند، یک نظریه جایگزین ارائه کند که با حقایق علمی ثابت شده در ژنتیک، کالبدشناسی تطبیقی و سنگواره‌شناسی هم‌خوانی داشته باشد. و ای کاش این افراد نگاهی به ماهی‌های شش‌دار و ماهی‌های دوزیست بیندازند و به ما بگویند: آیا این ماهی‌ها

داروین نابغه‌ای بود که توانست با توضیحی علمی برای انتخاب طبیعی و چگونگی تأثیر آن بر فرگشت حیات و شکل‌گیری تنوع جانداران پیچیده امروزی، دنیای زیست‌شناسی را متحول کند.

اما متأسفانه اکثریت علمای ادیان از همان بدو طرح این نظریه شگرف علمی تاکنون با آن به مخالفت پرداخته و به جای تقدیر از این دانشمند بزرگ، به استهزا، تکفیر و رد جاهلانیه نظریه انقلابی او پرداختند، همان برخوردی که در سابق با گالیله کرده بودند!!

سید احمد الحسن علیه السلام در این باره می‌نویسند:

«متأسفانه بیشتر فقهای ادیان سه‌گانه ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) با نظریه داروین همان برخوردی را کردند که پیش از آن با گالیله داشتند. با گذشت زمان، صحت نظریه گردش زمین گالیله ثابت شد و فرجامی دردناک برای آن دسته از فقهای دینی که با آن جنگیدند و خون دانشمندان را بر زمین ریختند، رقم خورد. دلایل انبوهی برای چرخش زمین اقامه شد، تا اینکه سرانجام تصاویری از فضا که چرخش زمین را نشان می‌داد موضوع را فیصله داد. در حال حاضر و با گذشت زمان، دلایل علمی فرگشت -نظیر دلایل ژنتیکی- به حدی زیاد شده است که انکار نظریه فرگشت کاری نابخردانه و لجاجتی نفرت‌انگیز به شمار می‌رود، ولی تاکنون متأسفانه بسیاری از فقهای دین که پیروان و شنوندگان خود را به جهل سوق می‌دهند سر خود را به علامت انکار بالا می‌برند و به تکامل، شواهد ژنتیکی،

سید احمد الحسن علیه السلام :

آری، «لا حول ولا قوة إلا بالله» و «إنا لله وإنا إليه راجعون»؛ اما خداوند مرگ و زندگی را

آفرید تا بیازماید کدام یک از شما عملکرد بهتری دارید.

(گوساله، جلد ۲)



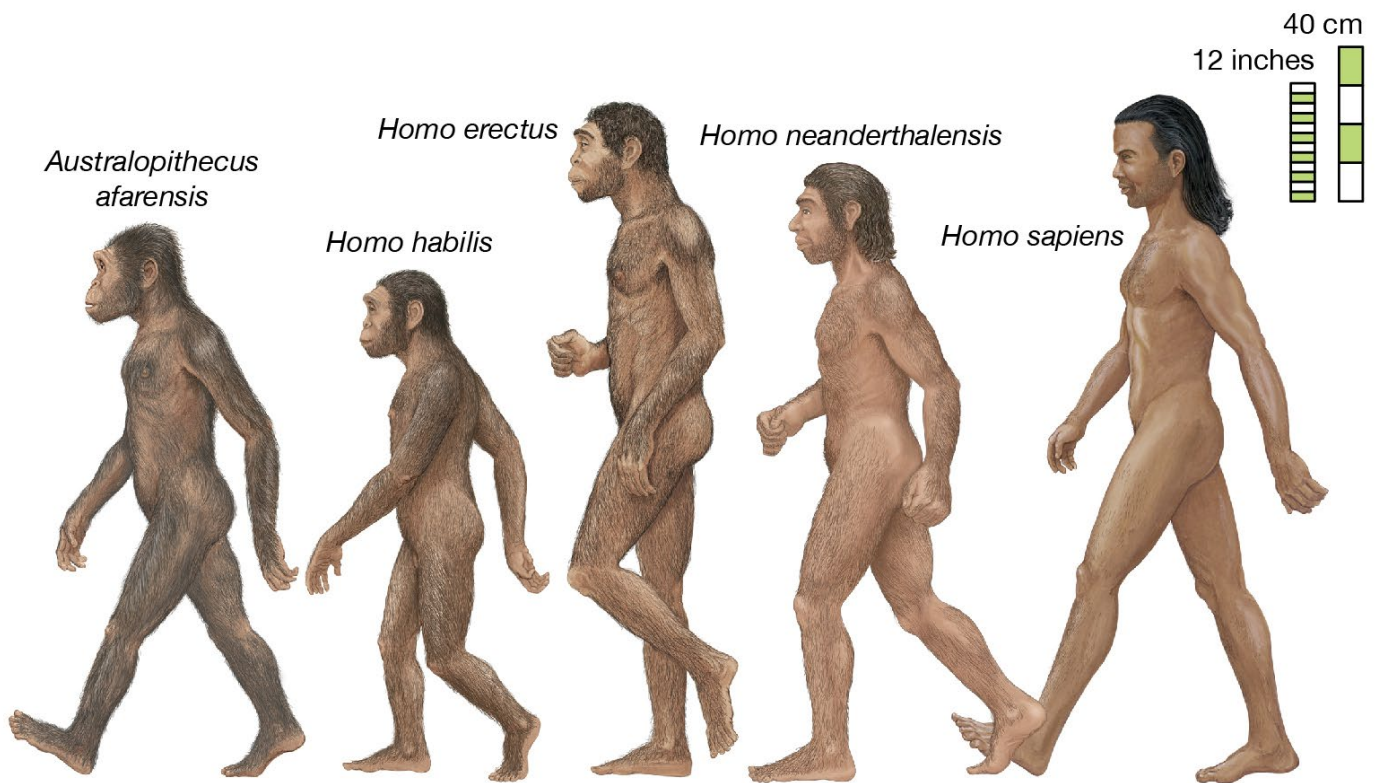
تاریخ‌های ارائه‌شده آنان باید با آن دسته از متون دینی که مدعی هستند بر خلاف فرگشت است، هم‌خوانی داشته باشد. در این هنگام خواهند دید که خودشان هرچه بافته بودند رشته کرده‌اند و متوجه می‌گردند که هیچ دلیل و برهانی ندارند؛ مگر برانگیختن احساسات و خشم و نفرت انسان با گفته‌هایی چون «نظریه فرگشت می‌گوید جدّ انسان میمون است.» [۱]

برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص نظریه فرگشت، مطالعه فصل دوم کتاب «توهم بی‌خدایی» نوشته احمدالحسن را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

از ماهی‌های آبزی فرگشت یافته‌اند یا خیر؛ و دلیل آن‌ها بر سخنشان چیست؟ همچنین باید مدت زمان زندگانی بشر از زمان خلقت آدم (علیه السلام) تا کنون را مشخص سازند؛ چراکه این موضوعی بسیار مهم است و البته تاریخی که اعلام می‌کنند باید با نظریه‌های آن‌ها در ردّ تکامل و نیز واقعیت‌های علمی کشف‌شده از تاریخ انسان‌های اولیه روی زمین (تاریخ هومو) سازگار باشد. امروزه از نظر علمی ثابت شده است که بی‌هیچ تردیدی انسان‌های امروزی همان هوموساپینس‌ها هستند. مبداء و خاستگاه هوموساپینس‌ها و تاریخ مهاجرتشان به خارج از آفریقا و مسیر مهاجرتشان نیز کاملاً مشخص است. بنابراین منکران فرگشت باید حداقل تاریخی تقریبی از زمان خلقت آدم به ما ارائه کنند و نیز مکان زندگی اولیه او را مشخص کنند؛ حتی اگر این مکان، تقریبی باشد، اشکالی ندارد. البته

منابع:

[۱] احمدالحسن، توهم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، ترجمه فارسی، ۱۳۹۷ ه.ش، صفحه ۳۴ و ۳۵.



سید احمدالحسن (علیه السلام):

دنیا و آخرت، هرکدام فرزندان خود را دارد؛ کسی که حق را برگزیند، مرگ را در آغوش گرفته، به‌سوی آخرت رهسپار می‌شود و هیچ هراسی ندارد از اینکه به مرگ برسد یا مرگ او را دریابد.
(گوساله، جلد ۲)

به بهانه سالروز بازگشت سید خمینی (ره)

ظهور مقدس؛ علمای زمینه‌ساز و بی‌عملان دردسرساز!

کردند و عهد شکستند، مسلم بن عقیل تنها و بی‌یاور ماند و در نهایت او را به شهادت رساندند و پس از آن، واقعه تلخ کربلا اتفاق افتاد که امام حسین (علیه السلام) آشکارا و غریبانه به‌سوی همه مردم ندای «هل من ناصر ینصرنی» سر دادند که کیست مرا یاری کند؟ اما به جز تعدادی اندک، دستی برای یاری او بر نخواست، و مولایمان امام حسین (علیه السلام) و

کوفه بودند و نامه‌های بسیاری برای امام حسین (علیه السلام) ارسال کردند و مضمون کلامشان این بود که «بیا ای مولای ما، ما در انتظار تو هستیم.» اما زمانی که امام حسین (علیه السلام) فرستاده خود را به کوفه فرستاد تا زمینه آمدنش فراهم شود، ورق برگشت و پای طاغوت به میان آمد و همه آن بزرگان و علمای بی‌عمل عهد خود را شکستند و مردم نیز اطاعتشان

در مقدمه باید سؤالی مهم و کلیدی در ذهن ما باشد و آن اینکه علت غیبت امام مهدی (علیه السلام) چه بوده است؟

واضح و غیرقابل انکار است، تا از علت غیبت آگاهی نداشته باشیم، حقایق و راه‌حلی برای امر ظهور آشکار نخواهد شد. پس در اولین قدم باید در جست‌وجوی علت غیبت و موانع امر ظهور باشیم. و قدم بعد تلاش برای برطرف‌سازی و مقابله با این موانع است تا زمینه برای ظهور فراهم گردد.

علمای بی‌عمل در انتظار ظهور

می‌دانیم در طول تاریخ اکثر فرستادگان الهی، به‌دست طاغوت یا طاغوت‌پرستان زندانی، آواره یا به شهادت رسیدند، یا مردمی که به‌خاطر دنیاپرستی و طاغوت‌پرستی حجت‌های الهی را تنها می‌گذاشتند یا برای شناخت آن‌ها زحمتی به خود نمی‌دادند، یا مردمی که از بزرگان و علمایی اطاعت می‌کردند که خود گمراه و طاغوت‌پرست بودند؛ یعنی علمای بی‌عملی که مقابل طاغوت، ذلیل و ترسو بودند. مانند آنانی که در



سید احمد الحسن (علیه السلام):

بنده‌هنگامی پروردگار سبحان و متعالش را تسبیح می‌گوید که رحمتی بر مؤمنان و رافتی بر یتیمان و مسکینان باشد و نیز غلظت و شدتی بر کافران باشد و او حقی باشد که بر زمین سیر می‌کند.

(متشابهات، ج ۲، ص ۳۷)



آماده بودند که زندگی خودشان را فدای او کنند؟! پاسخ این پرسش را پیدا کن، در این صورت خواهی دید که عیسی علیه السلام چاره‌ای جز پناه‌بردن به خداوند سبحان نداشت تا او را به‌سوی خودش بالا ببرد.» [پاسخ‌های روشن‌گرانه، ترجمه فارسی، ج ۲، صص ۱۵۹-۱۶۰]

همچنین نکته قابل توجهی که سید احمدالحسن علیه السلام فرمودند:

«پاری‌دهندگان طاغوت، کسانی هستند که قلب‌هایشان تاریک و دیدگانشان نابینا شده است، به حدی که منکر را معروف و معروف را منکر می‌بینند؛ اما این سخن به این معنا نیست که آن‌ها را رها کنیم تا هیزم جهنم شوند؛ زیرا امکان دارد یکی از آنان اصلاح شود و به‌سوی ولایت خدا بازگردد. ما به‌عنوان مؤمن باید امام حسین علیه السلام را الگو

که خداوند امام مهدی علیه السلام را با امر غیبت در دنیا زنده نگه داشت و او را از شر طاغوت و طاغوت‌پرستان حفظ و ذخیره نمود تا روزی فرا رسد که مردم، به این باور برسند که از اطاعت و دوستی با طاغوت اجتناب کنند، تا زمینه برای ظهور حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام برای برقراری حکومت عدل الهی در سرتاسر جهان فراهم شود.

طبق کلام قرآن: «کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به‌سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن‌هاست؛ بنابراین بندگان مرا بشارت ده.» [سوره الزمر، آیه ۱۷] سید احمدالحسن علیه السلام در رابطه با پادشاه یهود فرمودند:

«جنگ و نبرد به عِدّه و عُدّه نیاز دارد در حالی که به همراه عیسی علیه السلام هیچ عِدّه و عُدّه‌ای نبود و آن کسانی هم که به او ایمان آورده بودند، چه کسانی بودند و چقدر

یاران باوفایشان همه به شهادت رسیدند و همه زنان و کودکان نیز به اسارت گرفته شدند. و تأسف که مردم نه یآوری از یاوران امام حسین علیه السلام شدند و نه دشمنی برای دشمنانش... آری؛ امام حسین (ع) عمل کرد و هر آنچه داشت در راه خدا قربانی کرد و در مقابل طاغوت ایستاد و نیز تمام اهل بیت (ع) در مقابل طاغوت ایستادند و در طول تاریخ مردم بسیاری همیشه گوش به فرمان علمای بی‌عمل بوده‌اند و طاغوت و طاغوتیان را به حجت خدا ترجیح دادند.

طبق کلام قرآن: «و گویند پروردگارا؛ ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان خود را کردیم و ما را به راه گمراهی کشاندند.» [سوره احزاب، آیه ۶۷]

راز غیبت و موانع ظهور

و این‌گونه راز غیبت برای ما آشکار می‌شود که در طول تاریخ طاغوتیان همیشه ضد و مخالف حجت‌های الهی بوده‌اند و در حق ده‌ها هزار فرستاده الهی در هر زمان ظلم می‌شد. همچنین ائمه معصومین یازده امام شیعیان همه مظلومانه توسط طاغوتیان و طاغوت‌پرستان به شهادت رسیدند و این‌گونه می‌توانیم مانع اصلی ظهور یعنی «طاغوت» را درک کنیم



سید احمدالحسن علیه السلام:

اگر انسان‌ها قسّی القلب باشند و با هشدارها و عقوبت‌ها و مجازات‌های الهی یا آیات روشن خداوندی موعظه نشوند منع کردن آن‌ها از عصیان و طغیان و تکبر و نیز بازداشتن اجباری آن‌ها از راه جهنم، معنایی نخواهد داشت.

(متشابهات، ج ۲، ص ۳۹)

خداوند است بازگردیم، نه اسلامی که خواست طاغوت‌هاست.» [کتاب سرگردانی، ترجمه فارسی، ص ۳۹]

در تمام ادیان الهی در کنار علمای بی‌عمل، علمای عاملی وجود داشتند که در زمینه‌سازی ظهور نقش مهمی داشتند؛ علمایی که همیشه در طول تاریخ در حال مبارزه با طاغوت و طاغوتیان بوده‌اند. (البته لازم به ذکر است که هیچ عالمی به‌جز فرستادگان خداوند مصون از خطا نیستند؛ چراکه آنان جزو حجج الهی و معصوم نیستند).

سید احمدالحسن علیه السلام در همین رابطه فرمودند:

«و نیامده‌ام که بدون مقدمه‌سازی و آماده‌سازی الهی شما را به تمام حق و به حق مطلق دعوت کنم.

کسانی که کافرند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید؛ زیرا نقشه شیطان ضعیف است.» [سوره نساء، آیه ۷۶]

سید احمدالحسن علیه السلام می‌فرمایند: «این ظهور مبارک آن اصلاح‌کننده بزرگ محقق نمی‌شود، مگر اینکه اسباب غیبتش برطرف شود و نسلی در این امت پدید آید که آمادگی لازم برای بردوش کشیدن رسالت الهی برای کل اهل زمین را داشته باشد تا وعده الهی برای ظهور این دین بر تمام ادیان دیگر، جامه عمل بپوشد. اگر واقعاً و به‌طور عملی خواستار گسترش عدالت بر زمین باشیم و بخواهیم از این صحرا و سرگردانی خارج شویم و اگر واقعاً خواستار ظهور امام مهدی علیه السلام باشیم، بر ماست که به مسیر اسلامی که مورد رضایت

قرار دهیم؛ امام حسین علیه السلام لشکر یزید بن معاویه را که لعنت خدا بر او باد نصیحت و آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر فرمود.» [کتاب سرگردانی یا راه به‌سوی خدا، ترجمه فارسی، ص ۱۲۹]

طبق کلام قرآن: «در دین، هیچ اجباری نیست مسلماً راه هدایت از گمراهی روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است که هرگز نخواهد گسست، و خداوند شنوا و داناست.» [سوره بقره، آیه ۲۵۶]

علمای عامل زمینه‌ساز ظهور

علم زمانی معنا پیدا می‌کند که به آن عمل شود. بعد از غیبت امام مهدی علیه السلام تمام شیعیان به‌نوعی منتظران ظهور بوده‌اند. اما این انتظار به‌تنهایی هیچ تأثیری ندارد. و مهم‌ترین وظیفه علمای این است که برای رفع موانع غیبت یعنی مبارزه با طاغوت گام بردارند، و مردم را در سراسر جهان بر ضد طاغوت و طاغوتیان متحد کنند، تا با وحدت و هم‌دلی زمینه برای ظهور و برقراری حکومت عدل الهی مهیا شود.

طبق کلام قرآن: «کسانی که ایمان دارند، در راه خدا می‌جنگند و



سید احمدالحسن علیه السلام:

وقت آن رسیده است که در قلب‌هایمان نور حق بدرخشد تا با درخشش آن سیاهی طاغوت از بین برود.

(سرگردانی یا مسیر به‌سوی خدا)



دعوت یمانی دشمنی شخصی با هیچ نهاد یا فردی ندارد و نسبت به حکومت ایران ابداً رویکرد دشمنی و سلبی ندارد؛ بلکه سلامت ایران از هر خطری برای ما مهم است به اعتبار اینکه آن [حکومت] تنها دولت شیعه در جهان است و ما جز دعوت با نیکی و دلیل و برهان با آن‌ها مواجهه‌ای نداریم؛ پس کسی که با این دستورالعمل مخالفت کند، نماینده هیچ‌کس جز خودش نیست و دعوت مبارک یمانی از هر گونه عملکرد شخصی‌ای که با منهج و دستورالعمل‌های دعوت مبارک هماهنگ نباشد بری [و حسابش جدا] است.»

درپایان

همه مردم باید در این زمان حساس هوشیار باشند، هر مدعی علمی را عالم نخوانند؛ چراکه یکی از ویژگی‌های مهم علما، عمل کردن به دو ثقل هدایت یعنی «قرآن و عترت» و از ثمرات آن، «ایستادن در مقابل طاغوت» است؛ پیامبر ﷺ فرمودند:

«بدانید که بدترین بدها، علمای بد و بهترین خوبان علمای خوب هستند.»

[منية المريد، ص ۱۳۷]

و در بین تمام حکومت‌های جهان، تنها حکومت شیعی ایران است که در برابر «طاغوت و دجال اکبر آمریکا» ایستاده است و همانا این دعوت مبارک یمانیه که پرچم دار دعوت به‌سوی خداوند و مبارزه با طاغوت است، تضعیف حکومت شیعی ایران را ابداً جایز نمی‌داند. و در پیام رسمی از مکتب شریف در اسفند ۱۳۹۷ در رابطه با حکومت ایران آمده است: «و مطمئناً در مواجهه با تهاجم آمریکایی و هم‌پیمانانش در دنیا و نیز در مواجهه با جریان وهابی تروریست [و] خیث، وجود یک حکومت اسلامی و شیعی یک پیشرفت محسوب می‌شود.» طبق کلام قرآن:

«خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند و آن‌ها را از تاریکی‌ها خارج می‌کند و به‌سوی نور می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند سرورانشان طاغوت هستند، که آن‌ها را از نور خارج می‌کند و به‌سوی تاریکی‌ها می‌برد، آن‌ها اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند ماند.» [سوره بقره، آیه ۲۵۷]

و نیز در پیام رسمی دیگری از مکتب شریف در اسفند ۱۳۹۶ آمده است: «متذکر می‌شویم به اینکه

به‌درستی که خداوند حقیقت این علمای بی‌عمل را به شما نشان داد آن زمانی که علمای عاملی را مبعوث کرد که ایشان را به مقداری از حق فرا خواندند، پس علمای بی‌عمل با قتل و فراری دادن با آن‌ها مقابله کردند، شخصیتشان را کشتند و این‌گونه برای طاغوتیان، زمینه قتل بدنی و تبعیدکردن آن‌ها را فراهم کردند و نمونه‌های بارز (علمای هدایتگر) زمان معاصر، سید روح الله خمینی و سید محمد باقر صدر و سید محمد محمد صادق صدر هستند، کور شود چشمانی که حقیقت را نمی‌بیند، یا از آن چشم‌پوشی می‌کند ...» [خطبه حج]

آری علمایی مانند سید روح الله خمینی -رحمة الله علیه- کسی بود که در مقابل طاغوت ایستاد و عمل کرد و این خود قدم و نقش مهمی برای زمینه‌سازی ظهور بود؛ یعنی تشکیل حکومت شیعی که این خود برای امر ظهور و یاری‌رساندن به صاحب‌الزمان ﷺ دلگرم‌کننده است.

یمانیون و حکومت ایران

و امروز بسیاری از حکام طاغوت‌پرست امروزی، خصوصاً حکام وهابی در منطقه، برابر آمریکا با ذلت سر خم کرده‌اند،

سیداحمدالحسن الرضائي:

اساس سیاست طاغوت، مکر، حيله، فريب و آزار ملت و ايجاد حصار فکري و اقتصادي و نیز گسترش فساد و ظلم میان بندگان خداست. (سرگردانی یا مسیر به‌سوی خدا)



صَلَّیْهِ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِیْهِ وَسَلَّمَ

سالروز شهادت امام هادی علیه السلام

سامرا امشب عزادار امام است

امشب ز هجرت سر به زانو می گذارد
دیدم دلش لرزید و اشکش در نهان بود
تنهاترین در سامرا او بود و مظلوم
دیدم که زهرا اشک چشمش ریخت چون ابر
دستی که گلها را زباغ مصطفی چید
شاعر غزل از قلب خونینش نگارد

امشب حسن داغ تو را در سینه دارد
دیدم نگاهش را که سوی آسمان بود
دیدم که هادی چون رضام گشت مسموم
آن لحظه را دیدم که شد مسموم از زهر
من دیدم و او دید حتی دیگری دید
از داغتان باید که خون از دیده آید

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و
دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر
شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی
از علم و شگفتی ها آمده است.

